




ویرایش با عشق

روزهای اول تولد علی، با همان سرعتی که قبل از تولدش با واژه‌ها سروکله می‌زد و تق‌تق صدای صفحه‌کلید لپ‌تاپ در اتاق می‌پیچید، مشغول ویرایش شدم.

من که روزهای پیش از تولد نوزادم نگران بودم با تولد او کارم راز دست‌بدهم و مجبور شوم از علاقم چشم‌پوشم، خرسند و امیدوار شده بودم که مادرشدم خللی در کارم وارد نکرده است؛ اصلاً باورم نمی‌شد با وجود طفل تازه متولدشده‌ام بتوانم حتی یک صفحه ویرایش کنم و متنی را بپیراسته!

پس‌رم روزهای اول بیشتر می‌خوابید و کمتر بیدار بود. به‌مرور هر قدر ساعت خوابیدنش کم می‌شد هوشیاری‌اش به فعالیت‌هایی که انجام می‌دادم، بیشتر شد. کم‌کم علی بزرگ‌تر شد و توانست از پاهایم بگیرد و قدش را بلند کند و دست‌بیندازد به صفحه‌کلید لپ‌تاپ، ابزار اصلی‌کارم. البته من هم کم‌نیاردم و شدم مصداق آن ضرب‌المثل معروف که «نیاز، مادر اختراعات بشر است». کم‌کم یاد گرفتم چطور ساعت کارم را با ساعت خواب پسرک تنظیم کنم. اما مشکل اینجا بود که ماه‌به‌ماه ساعت خواب پسرک کمتر شد. حالا دیگر میزان خواب علی یازده‌ماهه در طول شبانه‌روز به مراتب کمتر از روزهای اول تولدش شده و بالطبع ساعت‌های کارکردن من نیز با کاهش مواجه شده است. باید بگویم میزان کار من در طول روز با خواب علی رابطه مستقیم دارد. من اما هنوز کم نیآورده‌ام. شب‌ها بعد از تلاش برای خواباندن این کوچک‌پسر، تازه کارم را شروع می‌کنم. وقتی همه خوابیده‌اند در تاریکی لپ‌تاپ را روشن و سروکله زدن با واژگان را از سر می‌گیرم. خدا را شکر با مجموعه‌ای همکاری می‌کنم که مسوولانش به تولید مصرف‌کننده محتوا (بخوانید فرزندان‌آوری و ازدیاد نسل) به اندازه تولید محتوا اهمیت می‌دهند و تاکنون درباره تأخیرهایم در تحویل‌دادن کار ویراسته با هم به مشکل برنخورده‌ایم؛ وگرنه ممکن بود شب‌بیداری‌هایم هم‌فایده‌ای نداشته باشد!

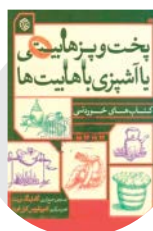
این بار نه آمده‌ام غریزم، نه قصد دارم نکته درست‌نویسی‌تیلی عرض کنم و نه می‌خواهم زیرآب نویسندگی را بزنم که مشغول ویرایش کتابش هستم. فقط خواستم بگویم برای رسیدن به علاقت گاهی باید بجنگی! با خواب‌آلودگی، با خستگی، با میل عجیب به بالا‌پایین کردن پست‌های اینستاگرام و توییتر و... گاهی ممکن است خانه‌ات جارو زده و گردگیری نشده بماند و از کارهای روزمره‌ات عقب بمانی؛ اما نیرویی تو را هل می‌دهد تا همین کارهای همیشگی هم روی زمین نماند. بعد، شب که خسته از خواندن و ویرایش سرت را روی بالش می‌گذاری، با خودت فکر می‌کنی که فقط یک چیز می‌تواند تو را روی دور تند زندگی قرار دهد و هنوز راضی باشی؛ عشق! 

فهمیده اسماعیلی

ویراستار

مروری بر يك كتاب آشپزی با چاشنی فانتزی

هم‌کاسه باهابیت‌ها



پخت و پز هابیتی یا آشپزی با هابیت‌ها» کتابی است که از حاشیه ماجراهای هابیت‌ها بیرون آمده و در يك فضای تخیلی و فانتزی غذاهایی که به خواننده معرفی کرده است

محصولاتی مانند لباس و لوازم التحریر و سرگرمی‌های مختلف باید قرار داد و به سود سرشاری که شرکت‌های فعالیت‌های فرهنگی جهان از مسیر محصولات جانبی یک اثر هنری کسب می‌کنند فکر کرد! سودی که آن را در دایره اقتصاد فرهنگ تعریف می‌کنند. ماجرای که جدی‌تر از چیزی است که در چند خط و پاراگراف بتوان به آن اشاره کرد. بگذریم!

در این کتاب دستور پخت‌ها از زبان «بیوه دیزی واین»، «فلدو لانگ لیف» «رینگلو تالو هاید» و «الانور کاتن» برای خواننده بیان می‌شوند و مترجم کوشش کرده تا جایی که ممکن است دستورها را ساده‌سازی و البته تا حدودی بومی کند که به ذائقه و فرهنگ ما نیز نزدیک شود. دستورهایی که می‌تواند در تکمیل ابعاد زندگی هابیتی تالکین بازها کمک کند و زاویه تازه‌ای به زندگی آنها بدهد.

«گاملینگ ورت» دستورهای این کتاب را جست‌وجو کرده تا بتواند یک مجموعه از غذاهایی که در مجموعه هابیت‌ها طبخ و سرو می‌شود را برای خواننده کنار هم قرار دهد. کتاب ۷۰ صفحه‌ای «پخت و پز هابیتی یا آشپزی با هابیت‌ها» که حدود ۶۰ دستور پخت هابیتی در خود دارد در واقع تلاش می‌کند خواننده را با عادات غذایی آنها آشنا کند و البته بعدی تازه از زندگی شخصیت‌های محبوب ادبیات داستانی را به خواننده بنمایاند. این کتاب گلچین احتمالاً دوست‌داشتنی

از شادمانی‌های آشپزخانه‌ای هابیت‌ها توسط دانشمند و محقق مشهور هابیت‌شناسی «گاملینگ ورت» جمع‌آوری و شرح داده شده است. در اینجا او گذری از میان بعضی خوراک‌های شگفتی‌آور و دهان‌پرآب‌کن ساخته است. قارچ‌ها و گوشت‌ها، طبیعی، فراوان و لذت‌بخش. اگر شما با مرور این کتاب یک چیز یاد بگیرید، آن این است که «هابیت‌ها» عاشق خوراکشان هستند. مولف برای این‌که خواننده را درگیر اثر خود کند تلاش خود برای گردآوری این کتاب را با اندکی تخیل همراه کرده تا خواننده راحت از کنار دستور پخت‌های هابیتی رد نشود. او تلاش کرده نشان دهد جمع‌آوری این دستورها کار دشواری بوده و هابیت‌ها از دستورهای غذایی خود مانند یک راز نگهداری می‌کنند و او با صرف وقت و هزینه به این دستورها رسیده و اکنون در اختیار همگان است.

سه میلیارد دلار رقم کمی نیست. مخ آدم از این رقم سوت می‌کشد! تازه وقتی بفهمیم که این رقم حاصل از فروش سه فیلم سینمایی است احتمالاً باید مدتی به آسمان نگاه کنیم تا ردی از کاسه

سرمان که به هوا شاید هم فضا پرتاب شده پیدا کنیم. بله سه میلیارد دلار درآمد از تولید فیلم سینمایی! این رقمی است که از فروش سه‌گانه «هابیت» به دست آمده که بر اساس رمانی با همین نام به قلم «جی.آر.آر. تالکین» نوشته شده است.

«ارباب حلقه‌ها» در کنار این اثر از معروف‌ترین آثار این استاد دانشگاه بریتانیایی است که دو اقتباس با همین عناوین از روی آثارش ساخته شده که با اقبال بسیاری روبه‌رو شده است. در اینجا نه قرار است درباره محصولات سینمایی مرتبط با آثار تالکین حرف بزنیم و نه می‌خواهیم درباره ادبیات فانتزی این نویسنده و زبان‌شناس انگلیسی برایتان سخنرانی کنیم. بلکه می‌خواهیم درباره لایه‌های زیرین یک اثر ادبی و تأثیری که می‌تواند بر جامعه مخاطبان بگذارد سخن بگوییم.

اگر شما از آن دسته افرادی هستید که با گونه فانتزی و نویسنده‌هایی مانند تالکین و رولینگ زندگی می‌کنید و هر قدر آثار آنها را می‌خوانید سیر نمی‌شوید و اصطلاحاً طرفدار آنها هستید، می‌خواهیم در کنار این‌که یکی دو نکته فرهنگی مطرح می‌کنیم، سری به آشپزخانه آنها بزنیم و مقداری سر میز آنها بنشینیم و با آنها هم‌کاسه شویم.

«پخت و پز هابیتی یا آشپزی با هابیت‌ها» کتابی است که از حاشیه ماجراهای هابیت‌ها بیرون آمده و در يك فضای تخیلی و فانتزی غذاهایی که هابیت‌ها می‌خورند را به خواننده معرفی کرده است. آنهایی که عاشق دنیا‌های فانتزی و تخیلی آثار تالکین هستند و اصطلاحاً تالکین‌باز به‌شمار می‌روند با این کتاب و دو عنوان کتاب دیگر که به فارسی هم ترجمه شده‌اند می‌توانند لحظات هابیتی بسیاری برای خود بسازند. البته یکی از سه عنوانی که فدرا اسدخانی ترجمه کرده آشپزی با هری پاتر است که رولینگ آن مجموعه را خلق کرده است ولی در مجموع این سه کتاب (هابیت‌ها، ارباب حلقه‌ها و هری پاتر) بخشی از پازل فانتزی‌بازها را تکمیل می‌کند.

این کتاب که در میان مخاطبان آثار هابیتی و به‌طور کلی تالکین‌در زبان‌های دیگر مشهور است در واقع بخشی از پروژه‌ای است که در دنیای مدرن از هنر و ادبیات برای کسب سود استفاده می‌شود. این کتاب را که اثری نه‌چندان سنگین ولی حتماً جذاب است در کنار آثار اصلی تالکین و اقتباس‌های سینمایی و همچنین

وحیدرضا سلیمی

روزنامه‌نگار



رنگ موی دنی وان
موی روغن زیتون، نو، کلد و ویتامین C
PROFESSIONAL
Hair color
Olive Oil, Conditioner, Vitamin C

